

درگیری چین و هند در منطقه مرزی



منابع خبری اعلام کردند، ارتش دو کشور چین و هند هفته گذشته در یک منطقه مورد مناقشه واقع در مرز دو کشور، یک «رویارویی جزئی» داشته‌اند.

به گزارش رویترز، هند و چین به عنوان دو کشور دارای قدرت هسته‌ای از ماه آوریل سال گذشته در منطقه هیمالیای غربی دچار اختلاف شده و از آن زمان تا کنون نیروهای خود را در طول نوار مرزی ۳۸۰۰ کیلومتری منطقه تقویت کرده‌اند.

ارتش هند در بیانیه‌ای اعلام کرد: ۲۰ ژانویه ۲۰۲۱ (یکم بهمن) در منطقه ناکولا واقع در شمال ساکیم رودرویی جزئی میان ارتش دو کشور ایجاد شده که با وساطت فرماندهان محلی حل و فصل شده است. همزمان، «جانو لی جیان» سخنگوی وزارت خارجه چین بدون اشاره به جزئیات بیشتر از هند خواست که خوبشونداری کند.

وی افزود: من مایلم تأکید کنم که نیروهای مرزی چین متعهد به حفظ صلح و آرامش در مرزهای هند هستند. ما از طرف هندی می‌خواهیم از اقداماتی که ممکن است موجب تشدید یا پیچیده شدن اوضاع در مرز شود، خودداری کنند. این مقام چینی اظهار امیدواری کرد: هر دو طرف اقدامات مناسبی را برای مدیریت اختلافات به ویژه برای حفاظت از صلح و ثبات در مرز انجام دهند.

ساکیم منطقه‌ای در هیمالیای شرقی هزاران مایل دورتر از منطقه لاداخ، جایی است که بحران نظامی سال گذشته از آنجا آغاز شد و با آغاز یک جنگ تن به تن موجب کشته شدن ۲۰ سرباز هندی و تعداد نامشخصی تلفات سربازان چینی شد.

بازداشت ۲۴۰ نفر در اعتراض‌های خشونت بار هلند



اعتراض‌ها در چند شهر هلند که با غارت فروشگاه‌ها و درگیری معترضان با پلیس همراه بود، منجر به بازداشت بیش از ۲۴۰ نفر شد.

به گزارش رویترز، معترضان به اعمال محدودیت‌های جدید و سخت‌تر کرونایی از جمله منع رفت‌وآمد شبانه اعتراض داشتند. پلیس برای متفرق کردن جمعیت معترض در مرکز آمستردام، از ماشین‌های آب پاش، سگ‌های پلیس و افسران سوار بر اسب استفاده کرد. تقریباً ۲۰۰ نفر که برخی از آنها به طرف نیروهای پلیس سنگ و مواد آتش‌زا پرتاب می‌کردند، در شهر آمستردام بازداشت شدند.

در پی اجرای منع رفت و آمد شبانه، پلیس ضد شورش در ۱۰ شهر هلند مستقر شد. از سویی، در جریان اعتراض‌ها، معترضان خودروهای خود را روشن نگه داشتند، نیروهای پلیس با سنگ هدف قرار گرفتند و اموال عمومی تخریب شد. پلیس نظامی نیز اعلام کرد که از پلیس محلی در دستکم دو شهر جنوبی هلند حمایت کرده است. تصاویر منتشر شده در تلویزیون هلند، جوانان را در حال غارت فروشگاه‌ها، پرتاب دوچرخه‌ها و آتش زدن اماکن مختلف در شهر آینه‌هون در جنوب هلند نشان می‌دهد. دستکم ۵۵ نفر در این شهر بازداشت شدند. تجمع اعتراضی در میدان موزه این شهر با نقض ممنوعیت برگزاری تجمعات، در پی اعمال منع رفت و آمد شبانه دولت برای اولین بار در این شهر پس از جنگ جهانی دوم انجام شد. پلیس این میدان را پس از خودداری مردم از ترک محل، پاکسازی و افرادی را که به نیروهای پلیس حمله می‌کردند، بازداشت کرد.

تاثیر نقش اعراب و اسرائیل بر مناسبات تهران - واشنگتن در گفت‌وگو با استاد دانشگاه جرج تاون

سنگ اندازی ائتلاف عبری - عربی بر سر راه برجام



که برخلاف کشورهای حاشیه خلیج فارس، روابط ایران با آمریکا همچنان اندر خم یک کوچه است ولی آنها توانسته‌اند در طول این ۴۰ سال مناسبات مستحکمی با واشنگتن و حتی کشورهای اروپایی برقرار کنند.

■ جایگاه اسرائیل در این معادلات کجاست؟ تا چه حد ادامه روابط تل آویسو با اعراب منطقه می‌تواند برای ایران در ابعاد امنیتی و سیاسی خطر آفرین باشد؟

بدون تردید عادی‌سازی روابط اعراب با اسرائیل ادامه خواهد داشت چرا که کشورهای عربی و حاشیه خلیج فارس حداقل از یک تا دو دهه گذشته با اسرائیل ارتباط داشتند و حالا صرفاً ما شاهد علنی شدن

این روابط هستیم. به عنوان مثال کشورهایمانند قطر یا عمان که رابطه علنی با تل آویوندارند، از سال‌ها قبل مناسبات اقتصادی و همچنین روابط اختصاصی در حوزه فناوری، تکنولوژی و مخابرات داشتند. نکته بسیار مهم این است که در زمان ریاست جمهوری ترامپ به کشورهای حاشیه خلیج فارس تفهیم شد که برای استحکام روابطشان با آمریکا باید با اسرائیل رابطه برقرار کنند.

از منظر دیگر باید به این فهم رسید که در حال حاضر دشمن مشترک اعراب حاشیه خلیج فارس و اسرائیل، «ایران» (جلوه داده شده) است و به همین دلیل اگر تیم بایدن هم نخواهد این کشورها با اسرائیل روابطشان را عادی کند، تمام این دولت‌ها تل آویسو رابطه یک طرفه و خودجوش با تل آویسو رابطه برقرار خواهند کرد. علاوه بر این باید بدانیم که مسلماً آمریکا هم انتظار چنین روابطی را خواهد داشت.

توجه داشته باشید که از حیث امنیتی، ادامه این روابط برای امنیت ایران خطرناک خواهد بود. ما می‌بینیم که پس از برقراری این روابط، زیردایی اسرائیل آزادانه در خلیج فارس رفت و آمد می‌کند و حالا هم اسرائیل بعد از دهه‌ها زیر چتر فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنسنتکام) قرار گرفته است. بر این اساس اسرائیل هم از این روابط در بعد نظامی و امنیتی به نفع خود استفاده خواهد کرد.

■ به نظر شما چه مدلی از مذاکره مورد نظر آمریکا و سایر طرف‌های برجام خواهد بود؟

برای احیای این مذاکرات مدل‌های گوناگونی وجود دارد. در این میان یا پله‌پله فکر نمی‌روند یا آهسته قدم می‌زنند یا اینکه در قالب یک طرح جامع، تحت پوشش آن کار می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان پرونده جنگ یمن یا سوریه یا صرفاً پرونده برجام را مفتوح کرد اما اول باید اعتمادسازی انجام شود ولی شیوه اصلی آن فعلاً مشخص نیست. معتقدم که طرح ایران در مورد هر مز مهم بود و این طرح حامل یک پتانسیل مثبت است که می‌تواند گفت‌وگو را مربوط به خود ایجاد کند.

■ برخی کشورهای عربی یا بهانه‌تراشی‌هایی مانند ارتباط ایران و قطر با اخوان المسلمین یا مسائل منطقه‌ای به دنبال آن هستند که بتوانند تهران را زیر فشار قرار دهند و حتی کار را به نقاط کشنده‌ها اند. به نظر شما این

در این میان لایه‌های اسرائیل، عربستان و امارات هم در حال فعالیت علیه تهران هستند و نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم که در ۱۰۰ روز اول از دولت بایدن، او وارد مذاکرات با ایران می‌شود یا خیر. مسأله دیگر این است که اروپایی‌ها هم نگرانی‌های خاص خود مانند پاندمی کرونا، پیشروی روسیه، برگزیت و همچنین گسترش افراط‌گرایی در قاره سبز را دارند و به نظرم اولویت‌های آنها برجام نیست؛ یعنی برجام را باید اولویت دست‌چندم آمریکا و اروپا بدانیم. نکته‌ای که از آن غافل هستیم این است که دیپلماسی عمومی علیه ایران در زمان ترامپ تشدید شد و در مقابل عده‌ای هم در تهران هم دست به اقداماتی زدند که این فضا طی چند سال گذشته علیه خودمان جهت گرفت. به عنوان مثال حمله به سفارت عربستان یکی از همین اقدام‌ها بود؛ چرا که هجوم به سفارت دوست یادشمن نقض قوانین و بحرین هستند و دوم قطر، کویت و عمان که با مذاکره چندین موافق نیستند اما به صورت علنی آن‌را اعلام و ابراز نمی‌کنند.

■ آیا این احتمال وجود دارد که به غیر از بحث در مورد درون‌مایه برجام، مسائل دیگری از جمله موضوعات منطقه‌ای هم مطرح شود؟ اساساً جایگاه و اهمیت برجام برای اروپا و آمریکا تا چه اندازه است؟

مذاکرات برجام متمرکز بر مسأله هسته‌ای ایران بود اما بحث مسائل منطقه‌ای پرونده‌های دیگر است. نخست بحث غنی‌سازی و هسته‌ای مطرح بود و در وهله بعد مسائل منطقه‌ای مورد نظر قرار گرفت. یکی از ایرادهایی که ترامپ به برجام می‌گرفت، تفسیر «مضیق و محدود» از برجام بود. او می‌گفت که باید تفسیر «موسع و گسترده‌تر» از این موضوع داشته باشیم که به هر حال در طول چهار سال ریاست جمهوری‌اش اتفاق خاصی رخ نداد. در این میان مشخص نیست که بایدن قرار است چه اقدامی در مورد برجام و مذاکره با ایران انجام دهد اما بدون تردید اقدام اصلی رئیس‌جمهوری جدید ایالات متحده، ترمیم چهره آمریکا خواهد بود. معتقدم که بایدن برخلاف آنچه که گفته می‌شود، دستش باز نخواهد بود؛ چرا که در رسانه‌ها و همچنین کنگره آمریکا مخالفتی وجود خواهند داشت اما اکثریت دموکرات‌ها در مجلس سنای می‌تواند برای بایدن و همچنین ایران مفید به حساب بیاید اما این امر یک‌جانبه نیست و جمهوری خواهان هم در سنا حضور دارند. توجه داشته باشید که در ایالات متحده خصوصاً در بحث دیپلماسی عمومی، فضا علیه تهران است.

حدود ۲۰ میلیارد دلار سخت‌افزار دارد که همین یک مورد کوچک نشان می‌دهد رابطه اقتصادی میان ایالات متحده و کشورهای حاشیه خلیج فارس تا چه حد عمیق است. بعد دیپلماتیک این روابط را نباید کم رنگ در نظر گرفت؛ به گونه‌ای که سفیر امارات در واشنگتن را یکی از ابرمردهای آمریکا به حساب می‌آورند و دلایلش لایه‌های گسترده‌ای در ایالات متحده است و این مسأله را نباید کوچک شمارد.

آن هستیم که دانشگاه‌های بسیار زیادی از آمریکا در کشورهایمانند قطر و امارات شعبه دارند. این نفوذ فرهنگی به حدی قوی است که اگر همین امروز شما وارد دوحه شوید و در خیابان‌ها قدم بزنید به وضوح می‌بینید که طیف زیادی از شهروندان این کشور به زبان انگلیسی سخن می‌گویند. بر این اساس اگر تمام مؤلفه‌های مذکور را کنار هم قرار دهیم، می‌بینیم

در این میان لایه‌های اسرائیل، عربستان و امارات هم در حال فعالیت علیه تهران هستند و نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم که در ۱۰۰ روز اول از دولت بایدن، او وارد مذاکرات با ایران می‌شود یا خیر. مسأله دیگر این است که اروپایی‌ها هم نگرانی‌های خاص خود مانند پاندمی کرونا، پیشروی روسیه، برگزیت و همچنین گسترش افراط‌گرایی در قاره سبز را دارند و به نظرم اولویت‌های آنها برجام نیست؛ یعنی برجام را باید اولویت دست‌چندم آمریکا و اروپا بدانیم. نکته‌ای که از آن غافل هستیم این است که دیپلماسی عمومی علیه ایران در زمان ترامپ تشدید شد و در مقابل عده‌ای هم در تهران هم دست به اقداماتی زدند که این فضا طی چند سال گذشته علیه خودمان جهت گرفت. به عنوان مثال حمله به سفارت عربستان یکی از همین اقدام‌ها بود؛ چرا که هجوم به سفارت دوست یادشمن نقض قوانین و بحرین هستند و دوم قطر، کویت و عمان که با مذاکره چندین موافق نیستند اما به صورت علنی آن‌را اعلام و ابراز نمی‌کنند.

■ آیا این احتمال وجود دارد که به غیر از بحث در مورد درون‌مایه برجام، مسائل دیگری از جمله موضوعات منطقه‌ای هم مطرح شود؟ اساساً جایگاه و اهمیت برجام برای اروپا و آمریکا تا چه اندازه است؟

مذاکرات برجام متمرکز بر مسأله هسته‌ای ایران بود اما بحث مسائل منطقه‌ای پرونده‌های دیگر است. نخست بحث غنی‌سازی و هسته‌ای مطرح بود و در وهله بعد مسائل منطقه‌ای مورد نظر قرار گرفت. یکی از ایرادهایی که ترامپ به برجام می‌گرفت، تفسیر «مضیق و محدود» از برجام بود. او می‌گفت که باید تفسیر «موسع و گسترده‌تر» از این موضوع داشته باشیم که به هر حال در طول چهار سال ریاست جمهوری‌اش اتفاق خاصی رخ نداد. در این میان مشخص نیست که بایدن قرار است چه اقدامی در مورد برجام و مذاکره با ایران انجام دهد اما بدون تردید اقدام اصلی رئیس‌جمهوری جدید ایالات متحده، ترمیم چهره آمریکا خواهد بود. معتقدم که بایدن برخلاف آنچه که گفته می‌شود، دستش باز نخواهد بود؛ چرا که در رسانه‌ها و همچنین کنگره آمریکا مخالفتی وجود خواهند داشت اما اکثریت دموکرات‌ها در مجلس سنای می‌تواند برای بایدن و همچنین ایران مفید به حساب بیاید اما این امر یک‌جانبه نیست و جمهوری خواهان هم در سنا حضور دارند. توجه داشته باشید که در ایالات متحده خصوصاً در بحث دیپلماسی عمومی، فضا علیه تهران است.

حدود ۲۰ میلیارد دلار سخت‌افزار دارد که همین یک مورد کوچک نشان می‌دهد رابطه اقتصادی میان ایالات متحده و کشورهای حاشیه خلیج فارس تا چه حد عمیق است. بعد دیپلماتیک این روابط را نباید کم رنگ در نظر گرفت؛ به گونه‌ای که سفیر امارات در واشنگتن را یکی از ابرمردهای آمریکا به حساب می‌آورند و دلایلش لایه‌های گسترده‌ای در ایالات متحده است و این مسأله را نباید کوچک شمارد.

آن هستیم که دانشگاه‌های بسیار زیادی از آمریکا در کشورهایمانند قطر و امارات شعبه دارند. این نفوذ فرهنگی به حدی قوی است که اگر همین امروز شما وارد دوحه شوید و در خیابان‌ها قدم بزنید به وضوح می‌بینید که طیف زیادی از شهروندان این کشور به زبان انگلیسی سخن می‌گویند. بر این اساس اگر تمام مؤلفه‌های مذکور را کنار هم قرار دهیم، می‌بینیم

هیچ کدام از کشورهای حاشیه خلیج فارس از کاهش تنش میان آمریکا و ایران پس از روی کار آمدن «جو بایدن» استقبال نمی‌کنند و در این میان بحرین تحت فرمان سعودی‌ها و امارات موضع‌گیری و تصمیم‌گیری می‌کند؛ اما قطر، کویت و عمان موضع رسمی مشخص و محکمی ندارند و در عین حال سعی می‌کنند که به طور رسمی از این مذاکرات پشتیبانی نکنند

قبیل ادعاهاریشه در کجادر و تبعاتش چیست؟

معتقدم که حتی قطر بیش از دیگران از اخوانی‌ها ترس دارد ولی به نظر من این مسأله هیچ پایه و اساس جدی ندارد و این اتفاق رخ نخواهد داد. معتقدم که این مسأله صرفاً یک شعار است و بیشتر حول محور ترساندن اعراب و باج‌خواهی از آنها می‌گردد. نمی‌توان آرزو کرد که ایران از بین برود یا دیدگاه بوش پسر یا دیدگاه اوباما را تأیید کرد. لذا باید با ایران کنار بیایند. ترامپ هم می‌خواست با تهران کنار بیاید اما حاضر به برداشتن تحریم‌ها نبود ولی به هر ترتیب می‌دانند که ایران مهره مهمی اصلی است.

■ طی ماه‌های اخیر در برخی برهه‌ها شاهد تقابل نسبی میان ایران و ترکیه بودیم. به نظر شما با آمدن بایدن روابط تهران و آنکارا دستخوش تغییر خواهد شد؟

تنش‌های ترکیه و ایران براساس روابط دو طرفه و شرایط منطقه بیشتر از این نخواهد شد. اردوغان همانند گذشته می‌خواهد از خودش پیام‌های متعدد صادر کند و خودی نشان دهد. به نظر من تمام این سوءتفاهم‌ها از یک شعر شروع شد ولی صرفاً شخصیت او این گونه است.

توجه داشته باشید که هم ایران به ترکیه نیاز دارد و هم ترکیه در بسیاری از مباحث به ایران نیازمند است و در ادامه ترکیه، هم به آمریکا نیاز دارد و هم نیازمند نزدیک شدن به اسرائیل و ادامه روابطش با روسیه است. بر این اساس باید روابط به گونه‌ای تنظیم شود تا در منطقه هر دو متزوی نشوند.

روابط میان آنکارا و ایران همانند ترکیه و روسیه فراز و نشیب‌های زیادی داشته است اما به جای باریک‌نکشی‌هاست و فکر نمی‌کنم با آمدن بایدن اتفاقی در این روابط بیفتد.

■ در دوران ترامپ بارها بحث تقابل میان ایران و آمریکا مطرح شد و حتی پس از ترور شهید سلیمانی این اتفاق در ابعاد دیگری رخ داد. تا چه حد احتمال افزایش تنش یساروایروبی در زمان بایدن وجود دارد؟

هیچ وقت نمی‌توان این مسائل را به صورت صددرصد پیش‌بینی کرد چون موقعیت به صورتی است که امکان زد و خورد اگر زیاد نباشد، حداقل سیال است. زمانی که ایران عین‌الاسد را مورد حمله قرار داد آن موقع برخلاف ژست‌های سیاسی آمریکا، ترامپ دست به اقدام خشن نزد در آخرین روزهایی که او در کاخ سفید بود، هم اتفاقی رخ نداد. اما اگر ایالات متحده بخواد ایران را مورد هدف قرار دهد، بدون تردید تهران نه تنها پیشگیری کرده و پاسخ خواهد داد، بلکه از منافع خود نیز حفاظت خواهد کرد.